



سوره فرقان

آیه های ۲۸-۵۵

با این نشانه های روشن

بت پرستی چرا

۴۸- «وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا»

: اوست که بادهای را مسزده دهنده، پیشاپیش رحمت خود (باران) میفرستد، و از آسمان، آب

مکتب اسلام

پاکی نازل نمودیم.

۴۹- «لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْفُسًا كَثِيرًا»

: تا سرزمینهای مرده را بوسیله آن زنده کنیم، و مخلوقات خود را از چهار پایان و انسانها، سیراب سازیم.

۵۰- «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِيهِمْ لِئْدًا كَرُوءًا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا»

: ما باران را از نقطه ای به نقطه دیگر منتقل ساختیم. تا متنبه شوند (و بدانند که اگر این کار نمی-شد خرابی بیارمی آورد) ولی اکثر مردم جز کفران کاری نمی کنند.

۵۱- «وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا»

: اگر می خواستیم در هر منطقه ای پیامبری برای

انذار مردم برمی انگیزتیم

۵۲- «فَلَا تَطْعَمُ الْكُفَّارِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»

: از کافران اطاعت مکن و با آنان جهاد بزرگی بساز

۵۳- «وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَجِجْرًا مَخْجُورًا»

: اوست که دودریا را بهم وارد کرد، یکی شیرین

بگیرد ، طبعاً ، چنین موجودی شایسته عبودیت و بندگی خواهد بود زیرا او باین شرائط از همه چیز برتر و همه موجودات در برابر او ، بی ارزش خواهند بود .

۲- موجودی که آفریننده جهان و بخشنده تمام نعمت‌ها و سعادت‌ها و مسألك اصلی و دهنده روزی موجودات می باشد ، به حکم وجدان و خرد ، باید در برابر آن خاضع و سپاسگزار گردیم ، هدف از خضوع و بندگی نه این است که با بندگی خویش به اوسودی برسائیم ، بلکه لیاقت و شایستگی خود را ابراز و اظهار کرده اذاین طریق مستحق نعمت‌های بیشتری گردیم .

مشرکان عصر رسالت ، بت‌های چوبی و سنگی و فزی را می پرستیدند ، و در برابر آنها ، در سرحد بندگی خضوع می کردند ، در صورتی که معبودهای آنان نه کمالی را دارا بودند ، و نه بخشنده نعمت ، به شمار می رفتند ، در صورتی که عبودیت و بندگی و اطاعت بدون قید و شرط ، باید به خاطر کمال و عظمت و بزرگی معبود ، صورت بگیرد ، یا اینکه به خاطر نعمت‌هایی که به انسان ارزانی داشته است ، و هیچ کدام از این دو ملاءک در معبودهای دوران جاهلی ، وجود نداشت و قرآن این حقیقت را به نحو روشنی بیان کرده می فرماید : (إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ، عِبَادًا مِثْلَكُمُ ، : آنها را که جز خدا می پرستید ، بندگانی مثل شما هستند) (نه دارای کمالند که به خاطر آن در برابر آنها کوچک شوید ، و نه کاری برای شما انجام می دهند که رهین نعمت آنها باشید) اذاین بیان می توان نتیجه گرفت که عبودیت و

وگوارا و دیگری شور و تلخ ، و میان آنها فاصله ای پدید آید که از آمیزش آنها جلوگیری کند ، و هرگز بهم مخلوط نمی شوند .

۵۴- «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا»

: اوست که از آب (نطفه) بشر آفرید ، و در میان آن پیوندهای نسبی و سببی فرار داد ، و پروردگارتو ، قادر و تواناست .

۵۵- «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا»

: چیزهایی جز خدا را می پرستند که برای آنها سود و زیانی ندارد و کافران پیوسته بر ضد پروردگار تو تظاهر می کنند .

* * *

در جهان هستی کسی شایسته عبادت و بندگی نیست ، جز یکتا خدائی که سرچشمه تمام هستی‌ها و منبع و اصل تمام کمالات به شمار می رود ، و کمالات دیگر موجودات از وجود او سرچشمه می گیرد .

عبادت و خضوع و تسلیم و فرمانبرداری مطلق و بدون قید و شرط ، در برابر موجودی ، به خاطر یکی از دو امر زیر ، باید انجام گیرد :

۱- عشق به کمال و خضوع در برابر آن ؛ برای انسان يك امر فطریست . و هر انسانی ناخود آگاه ، در برابر کمال موجود ، خاضع می گردد .

هر گاه موجودی سراسر علم و دانش ، قدرت و توانائی ، حیات و زندگی و بینائی و شنوائی باشد ، و هر نوع کمال را که به اندیشه انسان برسد ، او دارا گردد ، و همه کمالات از ذات او بجوشد ، نه این که از جانی

بندگی و پرستش، انقیاد مطلق و تسلیم و فرمانبرداری بدون قید و شرط، مخصوص ذات خداوند است و غیراوشایسته این مقام نیست بلکه مخلوقات^{بی} مثل ما می باشند .

* * *

مفاد آیات مورد بحث که نعمت های الهی را نسبت به بندگان یکی پس از دیگری شرح می دهند، با توجه به آیه پنجاه و پنج بسیار روشن است زیرا در این آیه از پرستش بت های بی لیاقت سخت نکوهش شده، و علت زشتی پرستش غیر خدا، چنین تشریح شده است: «و یعدون من دون الله مالا ینفعهم و لا یضرهم»: آنان موجوداتی را می پرستند که به حال آنها سود و زیانی ندارند و مالمک هیچ نوع نفع و ضرری به بندگان نیستند.

قرآن مجید در آیات مورد بحث، بخشی از نعمت های بزرگ خدا را یادآوری می نماید تا برساند که هر دو ملاک عبادت و بندگی در ذات خداوند جمع است زیرا او منبع قدرت و علم و مرکز هر نوع کمال است هر گاه قدرت مطلق نداشت هرگز مبدع این رشته از کارها که در این آیات تشریح شده است، نبود.

او دهنده تمام نعمت ها و سعادت ها و مالمک اصلی و اختیاردار انسان ها است ، پس باید او را پرستید، و از پرستش غیر او پرهیز نمود.

اینک تشریح نعمت هایی که در این آیات آمده است :

۱- باد و طوفان بشارت دهنده نزول رحمت (باران) الهی است.

باد به فرمان خداوند، بخار دریاها را به سوی خشکی ها سوق می دهد، و پس از یک رشته فعل و

انفعالات فیزیکی آب پاک و پاک کننده ای، به صورت قطره های باران از آسمان به روی زمین سرازیر می گردد چنانکه می فرماید:

وهو الذی ارسل الریاح بشرا... او است که بادها را که بشارت دهنده رحمت او است فرستاد...

۲- باران مایه حیات زمین ها و چهار پایان و خود انسان ها است چنانکه می فرماید:

لنحیی به بیلدة میتنا و نسقیه مما خلقنا انعاما و اناسی کثیرا: تا سرزمینهای مرده را به وسیله باران زنده کرده و مخلوقات خود را از چهار پایان و انسانها سیراب سازیم

ولی نکته این که حیات زمین را قبل از چهار پایان و انسانها، و حیات چهار پایان را قبل از انسان یادآور شده است این است که زندگی چهار پایان در گرو حیات و روئیدن گیاهان زمین است همچنانکه حیات انسان در گرو هر دو می باشد.

۳- یکی از الطاف و نعمت های خداوند این است که ایرهائی که حامل بارانند در حال حرکت می باشند و معمولا باران به مقدار نیاز به سرزمین ها می بارد و اگر چنین نبود، و باران فقط به يك نقطه می ریخت خرابی ها بیازمی آورد چنانکه می فرماید:

و لقد صرفنا بینهم لیل ذکر و افای اکثر الناس الا کفورا: ما آب را از نقطه ای به نقطه دیگر منتقل ساختیم تا متنبه شوند (و در حکمت این کار به تفکر بپردازند)

۴- آرزیش برف و باران، رودخانه های عظیم تشکیل می گردد، و قسمت قابل ملاحظه ای از آب رودخانه ها در مسیر خود، صرف ذراعت و امور کشاورزی می گردد، و باقیمانده آنها به صورت

بندگان خدا نیستند، منافات ندارد که خودبت پرستی، سرچشمه همه نوع آلودگی ها و بدبختی به شمار برود.

* * *

در پایان بحث، قرآن از مقام شامخ پیامبر تجلیل کرده می فرماید: ما می توانستیم برای هر نقطه ای پیامبر فرستیم ولی روی عظمتی که در روح تو سراغ داشتیم، اصلاح جهانیان را برعهده تو گذاردیم، و شریعت و رهبری تو را جهانی ساختیم چنانکه می فرماید:

ولو شئنا لبعثنا فی کل قریة نذیرا

اگر می خواستیم در هر منطقه ای پیامبر برمی انگیزیم و به عبارت دیگر: اراده حکیمانه خدا، روی مصالحی که خود می داند، و بخاطر جامعیتی که آئین اسلام دارد، و به جهت شایستگی نبی که پیامبر اکرم (ص) برای رهبری جهانی داشت، دین اسلام را آئین عالمی و رهبری پیامبر (ص) را، جهانی قرارداد، دیگر مانند دوران رسالت های پیامبران بنی اسرائیل و امثال آنان، در هر شهر و استانی پیامبری را بر نیانگیخت، بلکه او را رهبر همه جهانیان قرارداد چنانکه در جای دیگر می خوانیم: «وما ارسلناک الا رحمة للعالمین» (سوره انبیا آیه ۱۰۷): «ما تو را برای جهانیان رحمت قراردادیم».

روی این شایستگی و عظمت روحی، خداوند در آیات مورد بحث، به پیامبر (ص) دستور می دهد که هرگز از کافران پیروی نکند و با قرآنی که بر او نازل شده، با آنان محاجه نماید. چنانکه فرماید:

فلا تطع الکافرین وجاهدھم بجهاد

کبیرا: از کافران اطاعت مکن، و با آنان جهاد بزرگی بنما

رودهای بزرگ به دریا می ریزد، آب دریاها شور است و تلخ، و آب رودخانه شیرین و گوار است این دونوع آب، در کنار هم قرار می گیرند درحالی که هیچ کدام به دیگری مخلوط نمی شوند و به فرمان پروردگار هر کدام در مرز خود قرار می گیرند، آیا این صفت عجیب، ما را در برابر صنایع آن، به خضوع و تسلیم و انقیاد نمی دارد؟ چنانکه می فرماید: **وهو الذی مرج البحرین** . . . او است که دودریا را بهم وارد کرد . . .

۵- یکی از نشانه های قدرت او این است که از يك قطره آب دونوع انسان (نروماده) آفریده چنانکه در آیه دیگر می فرماید: **فجعل منه الزوجین الذکر والانیثی** (سوره قیامت آیه ۳۹) «از آن، نروماده آفرید» این قطره آب، مبده پیدایش يك رشته پیوند های سیسی و نسبی گردید چنانکه می فرماید:

«وهو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصھرا»

: او است که از نطفه، انسان آفرید و در میان آن پیوندهای نسبی و سیسی قرارداد آیا با توجه به چنین کمالات ذاتی و قدرت نمائی، و نعمت های فراوانی که خداوند بزرگ در اختیار ما نهاده است صحیح است از پرستش او سرباز زنییم و به پرستش موجودات ناتوان پردازیم؟ چنانکه می فرماید:

«و یعبدون من دون الله ما لا ینفعھم ولا یضرھم»: موجوداتی را می پرستند که سود و زیانی به آنان نمی رسانند.

البته این که می گوید: این بت ها مالک سود و زیان